



سهم کارگران از محصول کار خود

اجتماعی، که برای موفق شدن باید از رفرمیسم موجود سندیکائی فاصله گرفته و با نقدی کمونیستی در جهت برپائی جامعه ای عاری از کار مزدی و رابطه سرمایه به پیش برود. واقف شدن به عینیت مناسبات اقتصادی و اجتماعی مسلط و درک علمی و شفاف تناقض درون این عینیت اهمیت بسیار حساسی در درجه آگاهی طبقه کارگر دارد و می تواند به سلاح نیرومندی در پیکار پرولتاریا علیه سرمایه مبدل گردد. پیکاری که موفق شدن در آن تنها و تنها با نابودی نظام سرمایه داری امکان پذیر است. توضیح اینکه در برنامه ریزی اقتصادی و اداره امور اجتماعی در جامعه سرمایه داری کارگر چه جایگاهی دارد و این جایگاه و این نقش در جامعه سوسیالیستی چگونه خواهد بود باید در هر زمان و در هر جایگاه توسط کمونیستها مورد تأیید قرار بگیرد زیرا این تفاوت

بقیه در صفحه ۶

در تولید کاپیتالیستی بخش عمده زمان کار کارگران به تولید محصولات اختصاص میابد که برای توده کارگر و فرودستان اجتماع سوای سیه روزی و فقر چیزی در بر ندارد. در حالیکه این تولید برای سرمایه داران یعنی صاحبان ابزار تولید همه چیز دارد. سهم طبقه کارگر از محصول کار خود تنها فقر، بیکاری، بیماری و فلاکت است. طبقه کارگر هر روز سهم کمتری از دسترنج خود را صاحب میشود. مبارزه برای صاحب شدن نتیجه کار خود مبارزه ای است اساسی و روزمره. مبارزه ای است که پرولتاریا برای موفقیت در آن نیاز مبرمی به آگاهی همه جانبه از سیستم کنونی و سیستم آلترناتیو یعنی سوسیالیسم را دارد. برای طبقه کارگر نقد ریشه ای مناسبات فردی اجتماعی از اساسی ترین و تعیین کننده ترین مسائل مبارزاتی در پیکار اجتماعی است. پیکار

جشن پیروزی تیم ملی فوتبال ایران به تظاهرات اعتراضی گسترده علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شد!

صفحه ۵

مناسبت آغاز سال تحصیلی

جدید و به یاد صمد!

« هر نوری هر چقدر هم ناچیز باشد، با لا خره روشنائیست »

این جمله را سالها قبل صمد بهرنگی آموزگار روستاهای دور دست آذربایجان و معلم همه بچه های خوب، در کتاب عروسک سخنگو از زبان خرگوش گفت .

« کرم شب تاب گفت : رفیق خرگوش ، من همیشه میکوشم مجلس تاریک دیگران را روشن کنم ، اگر صفحه ۶

فراخوان هیات

هماهنگی اتحاد چپ

کارگری ایران!

فراخوان زیر مدتی قبل برای تبادل نظر و همفکری برای جریانات و مختلف ارسال شده بود که در اینجا برای اطلاع خوانندگان نشریه جهان چاپ میگردد با امید باینکه گامهای برداشته شده در جهت اتحاد های صفحه ۶

به روایت تصویر



صد ها هزار نفر در سراسر جهان

بوژه در کشورهای اروپا و آمریکا

بر علیه جنگ افروزیهای امپریالیسم

آمریکا دست به تظاهرات زدند!

صفحه ۵

«تروریست های واقعی در کاخ سفید هستند»

انفجارات آمریکا در خدمت کدام سیاست میباشد!

هرمز



آلمان، بر روی صحنه تلویزیونها ظاهر شدند و به ترتیب اعلام داشتند که « آزادی » و « دنیای متمدن » مورد حمله قرار گرفته است. آنها خواهان اتحاد بین المللی بر علیه تروریسم شدند. کسانی که مختصر آشنائی با تاریخ سرمایه داری دارند میدانند که سرمایه برای کسب سود بیشتر از اعمال هیچ جنایتی رویگردان نیست. هیچ کس نمیتواند و نباید هم فراموش کند که آقای بوش در سرزمینی بر اریکه قدرت تکیه زده است که اسلاف آن با ریختن بمب های اتمی بر روی ساکنان بیگناه هروشیا و ناکازاکی، جمعا ۲۷۰۰۰۰ نفر را کشتند. و صد ها هزار نفر را مجروح و معلول کردند. امپریالیسم آلمان با ایجاد دو جنگ جهانی، باعث کشتار ده ها میلیون انسان بیگناه در نقاط مختلف جهان گردید. امپریالیستها برای

بقیه در صفحه ۶

این مقاله قبل از شروع بمباران افغانستان نگاشته شده است. فاجعه هولناک کشتار هزاران انسان در مرکز تجارت جهانی در نیویورک دل هر انسان آزاده ای را به درد آورده است. این حادثه مشکوک که در روز سه شنبه ۱۱ سپتامبر، در ساعات اولیه صبح و در نتیجه برخورد دوهوایمای ربوده شده به دوقلوهای مرکز تجارت جهانی بوجود آمده، تا به امروز باعث مرگ نزدیک به ۶۵۰۰ نفر گردیده است. ساعات اولیه صبح بخاطر کشتار هرچه بیشتر انسانها، بعنوان زمان آغاز عملیات انتخاب گردیده بود. روی این اساس خشم و نفرت انسان از گردانندگان این حادثه صدچندان میشود. هیچ کسی نباید در محکوم کردن این جنایت تردیدی داشته باشد. در هر حال بعد از این حادثه، جرج دبلیو بوش و به تبع آن گرهارد شرودر صدر اعظم

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

صمد را نیز در برگرفت. در تاریخ جنبش انقلابی و مبارزه طبقاتی در ایران، نام صمد رابعنوان آموزگار فرزندان طبقه کارگر و محرومان جامعه جاودانه کرد. ارائه یک درک علمی از علل و عوامل وجود فقر و محرومیت و ستم و استثمار جامعه طبقاتی و راه های برون رفت از آن، درون مایه اصلی نوشته های ساده و کم حجم صمد را تشکیل میداد. انجام چنین کار سترگی بدون شناخت از وضعیت واقعی زندگی و مبارزه توده های عظیم کار و زحمت امکان پذیر نبود. و صمد در طول زندگی کوتاه اما پر بار خود لحظه ای از تلاش برای شناخت جامعه ای که در آن زندگی میکرد، باز نایستاد و همین هم آثار او را به آئینه انعکاس زندگی توده ها مبدل ساخت. شناخت عوامل اصلی بد بختی ها و محرومیت ها و ستم و استثمار و جنگ و سرکوب جامعه طبقاتی و بیان آن به ساده ترین وجه و تلاش برای چاره جویی برای برون رفت از این وضعیت. آثار صمد را با آمال و آرزوهای توده های محروم جوامع طبقاتی در آمیخته و بدین ترتیب حوزه نفوذ و تاثیر گذاری آنها از مرزهای ملی فراتر برده و بعنوان آموزگار محرومان و راهنمای مبارزه آنها علیه عوامل محیومیت شان جاودانه ساخته است.

دانش آموزان، دانشجویان و جوانان عزیز! اکنون بیش از هیجده میلیون نفر از جوانان و نوجوانان کشورمان عازم مدارس میشوند. به جرات میتوان ادعا کرد که نود درصد این جوانان از طبقات پائین و محروم جامعه هستند. ما همچون صمد صحبت مان باشماست. شما که خود شاهد تلاش بی وقفه پدر و مادران برای تامین زندگی هستید. شاهدید که چگونه با وجود کار و تلاش آنها، اما در آمد حاصل از دسترنج شان بوسیله سود جویان مختلف به یغما برده میشود و آنچه که از اینهمه درد و رنج کار نصیب شان میشود، حتی کفاف مخارج اولیه زندگی را نیز نمیدهد پدران و مادران شما و یا دوستان و همکلاسیهایتان اغلب ماه ها ست که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، آنها دست به اعتصاب میزنند، اعتراض میکنند، به تحصن و راهپیمایی دست میزنند اما گوش دولت و سرمایه داران بدهکار این حرفها نیست و آنها روز ها و ماه ها کارگران را سر میدوانند، تا آنها خسته شده و از پی گیری حقوق حقه خویش صرف نظر کنند، مقاومت کارگران، زحمتشان شهر و روستا که سازندگان واقعی جامعه هستند با سرکوب و زندان پاسخ داده میشود، این درحالیست که سستی سرمایه دار که اکنون اغلب به «مافیای مالی» هم مشهورند میلیونها دلار از دسترنج همین طبقات محروم را به جیب میزنند و به هیچ کس هم حساب پس نمیدهند. چون دم و دستگاه دولت نیز با آنهاست. زنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محرومند، جوانان را به خاطر انتخاب پوشش و نوع تفریح در خیابانها شلاق میزنند و ده ها نمونه ستم و استثمار و زور و سرکوب دیگر که هر روز شاهدش هستیم. پس از صمد بیاموزیم و از هزاران هزار جوان و انسانهای مبارز و انقلابی و شرافتمندی که بخاطر رهائی از این وضعیت و برای بدست آوردن آزادی و برابری دست به مبارزه

های عمل و مداخله درحیات آتی جنبش کارگری - سوسیالیستی قادر نخواهند بود به بخشی از رسالت و وظیفه ی دوران کنونی پاسخی در خور دهند.

با توجه باینکه اتحاد چپ کارگری ایران نیز در این راستا یک تلاش و تجربه است. مصمم است همسو با سایر فعالین چپ رادیکال کارگری ایران که دراشکال و قالب های دیگر از گرایش، فرد، تشکل یا محفل، به بازسازی این طیف همت گمارده و تلاش ها و تجربیات دیگری را به آزمون گرفته اند، به تلاشی همه جانبه و مشترک دست یازند. از همه آنها دعوت نماید تا برای بحث و تبادل نظر حول یافتن راه حل های عملی غلبه بر پراکندگی های نامتناسب با وضعیت کنونی مبارزات روبه رشد کارگری ایران، برگزاری یک نشست وسیع را در دستور قرار دهند. صاحب نظران و فعالین سوسیالیست از لایه های مختلف را برای شرکت در این نشست فرا سازمانی که مناسب ترین شکل آن سمینار است، تشویق نمایند.

هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری بمنظور همفکری و مشورت با فعالین سوسیالیست در درون و بیرون اتحاد چپ کارگری برسرچگونگی و تدارک برگزاری این نشست وسیع، فراخوان را به شکل طرح اولیه برای تبادل نظر و همفکری منتشر میکند. هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری

info@etehadchap.com
http://www.etehadchap.co
fax 0044870 1257959
&
004631 139897

آغاز سال تحصیلی

چه بعضی از جانوران مسخره ام میکنند و میگویند «بایک گل بهار نمیشود، تویپه بوده میکوشی با نور ناچیزت جنگل تاریک را روشن کنی.»

خرگوش گفت: این حرفها مال قدیمی هاست. ما هم میگوئیم «هرنوری هرچقدر هم ناچیز باشد بالاخره روشنائیست»

آری هر نوری هرچقدر هم کوچک و نا چیز باشد بالاخره روشنائی است. اکنون سالهای متمادی از مرگ صمد میگذرد اما نوشته ها و گفته های او هنوز که هنوز است تازگی خود را حفظ کرده است. سخنان او منعکس کننده زندگی و مبارزه میلیونها کودک و جوان و نوجوانی است که با هزار امید و آرزو بر پهنه اجتماع قدم میگذارند. صمد عمر کوتاه اش را در راه سعادت و آزادی محرومان جامعه سپری کرد نفوذ کلام صمد و عنصر آگاهی در قصه های او تنها به نسل جوان دورانش محدود نگشت. بلکه نسل های بعد از

طبقاتی و پایان دادن به پراکندگی و تشتت در میان جنبش کمونیستی و کارگری ایران به نتایج مثبتی منجرگردد. در این راستا یک نشست از ۲۴ تا ۲۶ ماه اوت ۲۰۰۱ برگزار شد. در این نشست هیئت های نمایندگی، یا نمایندگانی از سازمانها و مجامع و محافل سیاسی حضور داشتند.

ما از همه فعالین جنبش کمونیستی و کارگری ایران دعوت میکنیم با دخالت موثر و انقلابی خود در این پروژه ها و با شرکت در سمینار های پیشاروی با گامهای برداشته شده همراه گردند.

تحریریه جهان کمونیستی

فراخوان هیات

هماهنگی اتحاد چپ

کارگری ایران!

اتحاد چپ کارگری ایران، بعنوان یک پروژه و طرح و جزیی ازطیف چپ رادیکال - کارگری با پایبندی به آرمان طبقه کارگر و پشتیبانی از جنبش کارگری ایران بعنوان یک وظیفه روزمره همچنان تلاش جهت راهیابی به منظور مداخله موثر و انقلابی در این جنبش را جزو مقاصد اصلی خود برشمرده و در صدر وظایف اش قرار داده است. این تلاش و این تجربه نه پایان کار بلکه آغاز آنرا بشارت می دهد. ایده ی اتحاد و تشکل چپ رادیکال و کارگری برآمده ازحیات زنده ی جنبش سوسیالیستی یعنی جنبش مقابله ی کاربرعلیه سرمایه است. واقعیت غیر قابل انکار، اما اینست که پراکنده گی و نابسامانی یکی از نقاط ضعف این جنبش درعرصه های نظری و عملی را تشکیل میدهد. و این درحالی است که در اثر تحولات اجتماعی امروزه کلیه ی گرایشات طبقاتی معطوف به قدرت سرمایه و دولت، به تجدید آرایش گروه بندی های خود مشغولند.

متناسب با این تغییر و تحولات، در سطح جنبش کارگری بویژه در طیف چپ رادیکال و کارگری نیز تلاش برای فائق آمدن بر یک دوران پراکندگی و تشتت آغاز شده است. اما آنچه به این تلاشها معنی میدهد و آنها را به جزء لاینجزای فرهنگ چپ کارگری تبدیل مینماید، ضرورت عینی اجتماعی آن و گرفتن خصلت این تلاشها از نفس جنبش کار بر علیه سرمایه و نقد شرایط موجود از جایگاه استثمار نیروی کار است. اما روشن است که نیروهای متعلق به این جنبش، بدون احساس مسئولیت در مقابل تلاشهایی که تاکنون بنام کارگر و سوسیالیسم درجهان بویژه ایران انجام شده است و بدون بازبینی تجارب گذشته و مدلهای تاریخی سازماندهی جوامع مختلف بنام این جنبش و گشودن فصل جدیدی از تبادل نظر و تجربه و بررسی کاربردی نقشه

رسیدن مزدورانی نظیر «جمنجیش» هموار گردد. سازمان سیا، ده ها و صدها کودتا در نقاط مختلف جهان ترتیب داده است. هر جا که یک جانی منفور و آذخور بوده، بر سر قدرت آورده است. میلیون‌ها انقلابی و کمونیست بدست مزدوران سرمایه شکنجه و قتل عام شده و یا از اوج آسمان، دست و پا بسته به دریا انداخته شده اند. ولی هیچکدام اینها وجدان جامعه بورژوازی را بدر نیاورده است. گوئی اینها اصلا انسان نبوده اند.

اکنون بعد از انفجارات واشنگتن و نیویورک آمریکا لشگری عظیم را در ظاهر برای مبارزه با تروریسم و در باطن برای پیش برد اهداف نظامی، اقتصادی و سیاسی خویش در منطقه بسیج کرده است. آنان برای قربانیان این حادثه فقط اشک تمساح میریزند. برآستی چه کسانی پشت این انفجارات ایستاده اند؟ کدامین دستان نامرئی چنین جنایت دهشتناکی را سازماندهی کرده اند؟ دوزخ بعد از این واقعه، آمریکائیمها انگشت اتهام را به سوی اسامه بن لادن نشانه گیری کردند. و خواهان استردادوی از طالبان شدند. در مقابل سفیر طالبان در پاکستان اظهار داشت «اگر آمریکا اسناد دخالت بن لادن در این ماجرا را در اختیار کابل قرار دهد، دولت مطبوع وی حاضر است بن لادن را تحویل آمریکا بدهد. حتی در روز یکشنبه ۲۳ سپتامبر، سخنگوی دولت پاکستان از آمریکا خواست، اگر واقعا اسنادی مبنی بر دست داشتن بنلادن در این ماجرا را دارد، بطور علنی انتشار دهد. زیرا دولت آن کشور بخاطر جانبداری از مواضع آمریکا، بشدت تحت فشار افکار عمومی پاکستان قرار دارد. به زبان ساده تر دولت آمریکا و سازمانهای جاسوسی و ضد جاسوسی گوناگونش دوازده روز پس از حادثه مزبور عاجز از ارائه کوچکترین سند و مدرکی دال بر دخالت بنلادن در ماجرا میباشند. پس دلیل این همه اصرار و پافشاری دولت آمریکا برای معرفی بن لادن بعنوان عامل هواپیما ربائی، برای چیست؟ و چرا آنها زنده و یا مرده او را میخواهند؟ مگر در سیستم قضائی و حقوقی غرب میتوان صرفا با متهم کردن کسی، فتوای قتل او را صادر نمود؟ گویا وقتی پای منافع کشورهای امپریالیستی در میان باشد، آنها حاضرند حتی قوانین خویش را نیز زیر پا بگذارند. در ضمن سازمانهای جاسوسی آمریکا از جمله «سیا» و «اف بی آی» چطور نتوانستند رد پای از عملیاتی بگیرند که به قول خود آنها، تدارک آن سالها طول کشیده بود. آیا برآستی «سیا» با بودجه سالیانه نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار و هزاران جاسوس مجرب و کار آزموده در سراسر جهان، غافل از این امر بوده است؟ در تاریخ ۲۴ سپتامبر دوهزار و یک شبکه اول تلویزیون آلمان در اخبار ساعت دوازده ظهر خود به نقل از مقامات آمریکائی، اعلام کرد که «یکی از تروریستها بنام عطا» از مدت‌ها قبل تحت نظر آنها بوده است. زیرا وی مدت‌ها تلاش میکرد (احتمالا در فرانکفورت) مواد شیمیائی بخرد. دقت در این خبر حائز اهمیت فراوان است. فردی در عین تحت تعقیب بودن (بوسیله سازمانهای جاسوسی آمریکا) به آمریکا میرود، در آنجا دوره خلبانی میبیند و در بزرگترین عملیات تروریستی بر علیه آمریکا شرکت میکند، ولی نه «سیا» و نه «اف بی آی» نه تنها نمیتوانند کوچکترین عکس العملی از خود نشان بدهند، بلکه اساسا از موضوع بی خبر میمانند.

چهار هواپیما همزمان از فرودگاه‌های مختلف آمریکا ربهوده میشوند و سه فروند از آنها بعد از سیر و سیاحت در آسمان آمریکا با موفقیت مأموریت خود را به انجام میرسانند و در تمام این مدت نه جت‌های شکاری و نه

اندیشی اعتبار آترا به هیچ میگرفت تا برای تنبلی، و فرصت طلبی توجیهی روشنفکرانه بسازد اعتقادی استوار داشت به اینکه نظر ما تنها در همراهی با شناختن عینی به نیروی سازنده بدل میشود.

در روستاهای آذر بایجان، صمد بیشترین امکان را برای یک شناخت عینی مییافت. هرگز از این اندیشه عدول نکرد که هر گونه تحولی بدون در نظر داشتن نقش اساس روستاها، بر بنیانی عقیم و نا راست استوار خواهد بود بررسی او در هر زمینه ئی، فرسنگها از مطالعه سترون یک محقق محض، بدور بود. میدانست که شناختن در بسیاری از حوزه ها یعنی چشیدن و سمیم بودن. و همین اعتقاد او را از روشنفکرانی که مردم را جز به شکلی مجرد و قلبی دوست نمیدارند، جدا میساخت.

اکنون صمد رفته است. لیک او به یقین انسانی است که «جاری جاودان در رویش فرداست». سوگواران راستین مرگ صمد آنانند که کمتر میگویند، کمتر هیاهو میکنند، لیک میکوشند تا بیشتر بشناسندش. صمد مرد بی آنکه بهشت شناخته خویش را تحقق یافته ببیند. همین است که مرگ او را دردناک میکند و باز همین است که بر قلمرو تعهد دوستانش وسعت میبخشد. اگر چه بی چیز مرد، برای دوستانش میرائی بر جای نهاد که در هر گام نشانه راه است. دریافته های صمد دست کم مقدمه یی اساسی بود برای شناخت دیگر وادیهها در کوشش هر انسان شرافتمندی بخاطر بنیاد نهادن دنیائی قابل زیست. بر مبنای این دریافت هاست که با اعتقاد میگوئیم:

«دیگر بنای هیچ پلی بر خیال نیست.

کوته شده است فاصله دست و آرزو.»

بکوشیم میراث صمد را بهتر بکار گیریم و بر آن بیافزائیم، و در این رهگذر نیک میدانیم که آرزوی صمد انتقال این میراث به تمامی انسانهای ستم دیده روزگار ما بود.

بقیه از صفحه ۱

تروریست های واقعی ♦♦♦♦

اعمال سیاستهای استعمارگرانه خود جنگهای کره و ویتنام را بوجود آوردند و بیشمار انسانها را از هستی ساقط نمودند و.....

جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ و متعاقب آن محاصره اقتصادی عراق که پدر همین جرج دبلیو بوش یعنی آقای جرج بوش اول صحنه گردان آن بود، به قیمت مرگ صد ها هزار کودک عراقی، در نتیجه کمبود مواد غذایی و داروئی گردیده است. هر حکومت و دولتی که میخواهد سیاست مستقل خویش را در پیش بگیرد و در مقابل فرامین امپریالیسم سر تسلیم فرود نمی آورد، بعنوان «حکومت شمر» معرفی می گردد و به بازوی نظامی امپریالیسم یعنی ناتو حواله داده میشود در قرار داد «رابویه» بامبول درآوردند تا به مردم جهان به قبولاندن که میلیشیویج خواهان صلح نیست. و در نتیجه باید با قدرت نظامی آترا وادار به «صلح» کرد. مراکز نظامی، اقتصادی و صنعتی یوگسلاوی را با خاک یکسان کردند. تا راه بقدرت

و راه مبارزه و پیروزی را بازایند،. خبر اعتصابات و اعتراضات کارگری را به گوش همه برسانید و در حد امکان به ایجاد تشکلهای مخفی، علنی و نیمه علنی دست زنید فرزندان کارگران و زحمتکشان در مدارس به همراه آموزگاران زحمتکش، بیش از بیست میلیون از جمعیت کشور را تشکیل میدهند این نیروی جوان در صورتیکه به مبارزات پدران، مادران و برآوران خواهران کارگر و زحمتکش خود پیبوندند در دنیا هیچ نیروئی را یارای مقابله با آنها نخواهد بود.

مقدمه ای از رفیق امیر پرویز پویان بر کتاب «بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری»

کنون ره او
«برکدامین بی نشان قله است،
در کدامین سو»
«سالهای سال
گرم کارخویش بود.
ما چه حرفها که میزدیم.
او چه قصه ها که میسرود.»

بودن را برگزیده ایم اما، «چگونه بودن» را کمتر اندیشیده کرده ایم.

«چگونه بودن» را دانستن، از آگاهی به «چرا بودن» برمیخیزد. و آنان که آگاهی خویش را باور دارند میدانند که چگونه باید بود؛ که خوب بود.

باورداران راستین «تکامل» بی گمان داندگان راستین «چرا بودن» اند. از آن پس «چگونه بودن» پاسخی نخواهد داشت جز در روند این تکامل

زده و اغلب در این راه از جان خود نیز گذشته اند..

در هر جا که هستیم، مدرسه، دانشگاه، کوجه و خیابان، با مطالعه کتاب، نشریات و جزوات، سطح آگاهی خود از وضعیت جامعه و علل و عوامل بدبختی ها و فاصله طبقاتی موجود بالابرید، به توده های محروم محل زندگی خود نیز کمک کنید تا به علت فقر و گرفتاریهای خود پی ببرند

نقشی خلاق و بی شبهه داشتن. صمد رهرو خستگی ناپذیر این روند بود. بنیان های جامعه خویش را میشناخت و از تضادی که بر این بنیان ها حکم میراند، نیک آگاه بود. میاندیشید که جامعه بشری در استقرار نهاد هائیتست که هر گونه تفاوت زاده روابط اجتماعی را در میان انسانها ناممکن سازد. و چشم انداز جامعه یی تپی از نابرابری صمد را همواره بسوی خود میکشید. میدانست که «آگاهی» به آدمی توان کوه را میدهد؛ میدانست که شناختن و شناخت خود را باور داشتن یعنی نیروی پایان ناپذیر عزم تاریخ و انسان را بهم آمیختن و آترا بخدمت تغییر جامعه خویش در آوردن.

میخواند. میرفت. میکوشید. میدید. میدید. تجربه میکرد. می شناخت. از آن گروه معدودی بود که خواندن را با دیدن و تجربه کردن پیوند میدهند. نه شناخت و تجربه دیگر رهروان را به آیه ایی از سوی خداوندگا ر میدانست، و نه با کج



باید با منبع و سرچشمه واقعی آن مبارزه کرد. سرچشمه واقعی تروریسم در کجاست؟ در یک تظاهرات در میشیگان آمریکا، دانشجویان فریاد میزدند که «تروریستهای واقعی در کاخ سفید هستند»

هرمز

بیست و چهارم سپتامبر ۲۰۰۱

بقیه از صفحه ۶

سهام کارگران

کشورهای نامبرده عموماً کاهش یافته. در آمریکا این سهم ۳،۵ در سوئد ۵،۴ و در ژاپن ۷ درصد کاهش یافته است. یعنی با اینکه در این کشورها تولید گاهی تا ۵۰ درصد افزایش داشته اما سهم حقوق بگیران و از آن جمله کارگران از آن منفی بوده است. یعنی حتی در زمان سود و افزایش درآمد کارخانه ها کارگران روزبروز فقیرتر میشوند. حال اگر حقوق بگیران را هم تفکیک کنیم و حقوق بگیران بالا و مدیران کارخانجات را جدا کنیم، چون حقوق این افراد سالانه تا ۵۰ درصد نیز افزایش میابد، آنوقت متوجه میشویم که سهم کارگران برآب کمتر از آن است که در این آمارها آمده است. البته این تمام واقعیت نیز نیست در کشوری همچون نروژ افزایش درآمد نه وابسته به محصولات صنعتی بلکه بخاطر درآمد کلان نفت بوده است که اگر به این آمار اضافه شود آنوقت تغییرسهم حقوق بگیران نروژی نیز مطمئناً منفی خواهد بود.

فواد بیانی

کارگران مبارز و پیشرو!
ما کارگران برای گرفتن حق
و حقوقمان و برای پیروز
شدن، هیچ راهی
جز وحدت و تشکیلات نداریم
به صفوف سازمان فدائیان
کمونیست که سازمانی است
متعلق به کارگران، بیونیدید

این سناریو آمریکا سعی میکند با استفاده از حوادث نیویورک و واشنگتن مظلوم نمائی بکند تا افکار عمومی دنیا را برای پیش برد مقاصد خود با خویشتن همراه گرداند و باید اعتراف کرد که در این امر تا حدودی موفق شده است. (هرچند که با شروع جنگ این روحیه تغییر خواهد یافت) حال که آمریکا بخشی از افکار عمومی جهان و اکثر کشورها را پشت سر خود دارد، زمینه مناسب برای پیش برد اهداف اصلی نرفته در این سناریو بوجود آمده است. مهمترین وظیفه این سناریو، رسیدن به سه هدف زیر می باشد.

۱- سیاست ایجاد «سیستم دفاع موشکی» که با مخالفت گسترده افکار عمومی جهان مواجه است. دولت آمریکا میخواهد با استفاده از موقعیت بوجود آمده، افکار عمومی دنیا و نیز دول رقیب مخالف این طرح را قانع کند که امنیت داخلی آمریکا در خطر است و در نتیجه آمریکا مجبور است این طرح را عملی کند و ملت آمریکا نیز باید هزینه آنرا بپردازد. با عملی شدن طرح «سیستم دفاع موشکی» آمریکا برتری قابل ملاحظه نظامی بر رقبای خود (روسیه، چین و اروپای متحد آتی) خواهد داشت. و بدین طریق قادر خواهد بود هژمونی خود را تا مدت‌های مدید، با اعتماد و اطمینان خاطر در عرصه جهانی اعمال کند.

۲- به بهانه مبارزه با طالبان و تروریسم، نیروی نظامی خود را در این قسمت از جهان یعنی تقریباً مابین کشورهای ایران (متحد اروپا) چین و روسیه مستقر کند و بر بازار و منابع این بخش از جهان نیز تسلط کافی داشته باشد.

۳- برای جنگ نیاز به اسلحه است و برای داشتن اسلحه باید آنرا تولید کرد و برای تولید آن باید چرخ کارخانه های اسلحه سازی آمریکا مانند جنگ خلیج مجدداً به کار افتد.

البته آمریکا اهداف و مقاصد دیگری نیز در سر دارد که برای جلوگیری از حدث و گمانه زنی بیشتر، از پرداختن به آنها خود داری میگردد.

در خاتمه ضمن محکوم دانستن عملیات تروریستی که به کشته شدن انسانهای بیگناه انجامید، یاد آور میشوم که بن لادن متحد و دست پرورده آمریکا در جنگ علیه دولت افغانستان و سربازان شوری در آن کشور بودو ایضا بر کسی پوشیده نیست که طالبان نیز ساخته و پرداخته عربستان سعودی و پاکستان دومتحد حلقه به گوش آمریکا میباشد. بنا بر این برای مبارزه واقعی با تروریسم

تروریست های واقعی**

بقیه از صفحه ۳

پدافند هوایی قویترین و مدرنترین ارتش جهان نتوانستند بموقع عکس العمل نشان بدهند. میتوان پذیرفت که در اولین مرحله از این عملیات، یعنی برخورد اولین هواپیما به برج شمالی، آمریکائی ها غافلگیر شده اند. ولی بین مرحله اول و دوم این عملیات، یعنی برخورد هواپیمای دیگر به برج جنوبی ۱۷ دقیقه فاصله طولانی وجود دارد. چرا در این مدت طولانی هواپیمای مزبور میتواند بدون برخورد با کوچکترین پدافند هوایی، برج دوم را مورد اصابت قرار دهد؟ هواپیمای سومی نزدیکیهای ساعت ده محل وزارت دفاع آمریکا را مورد حمله قرار میدهد. بین این عملیات در واشنگتن و عملیات اول در نیویورک نزدیک به یک ساعت فاصله وجود دارد که در این مدت بی کفایت ترین ارتش جهان نیز نتوانست حد اقل چند تیر هوایی شلیک کند. ولی بزرگترین ارتش جهان «نتوانست» این حداقل را هم انجام بدهد! فقط هواپیمای چهارمی که مامور ضربه زدن به کاخ سفید بود، قبل از رسیدن به هدف سرنگون شده است.

ولی ظن قریب به یقین این است که این هواپیما بوسیله «سیا» سرنگون شده است. مقامات آمریکائی ادعا میکنند که این هواپیما در نتیجه زد و خورد مسافری با هواپیما ربا ها سرنگون شده است. همه دلایل و شواهد نشاندهنده آن است که عملیات باین گستردگی در داخل آمریکا نمیتوانست صورت بگیرد مگر با اطلاع و آگاهی «سیا» بدین معنی که «سیا» از این عملیات مطلع بوده ولی عمداً دست تروریست ها را برای اجرای عملیات باز گذاشته است تا آنها بدون برخورد به مانع و رادعی، بتوانند اهداف از پیش تعیین شده خود را مورد حمله قرار دهند. در اینجا ما با سناریو آشنای سر و کار داریم. سناریویی که در جنگهای خلیج و یوگسلاوی شاهد اجرای آن بودیم. موضوع سناریو ها تقریباً یکسان ولی اشکال و بازیگران آن متفاوت میباشند. در همه سناریو ها، آمریکا و متحدین آن در نقش فرشته نجات و مخالفین آنها نیروهای اهریمنی میباشند (البته از حق نباید گذشت که اشخاصی نظیر بن لادن و طالبان ها که دست پروردگان خود آمریکا هستند کمتر از اهریمن نیستند) که باید درهم شکسته شوند.

در سناریو اول سفیر آمریکا در بغداد اعلام کرد که «اگر عراق به کویت حمله کند، ما دخالتی در موضوع نخواهیم کرد. و آنرا بعنوان یک اختلاف عربی در نظر خواهیم گرفت.» کوتاه زمانی بعد از این دان پاشی، برای صدام و کشاندن نیروهای آن به کویت، آمریکا در راس سایر متحدین خود برای «دفاع از استقلال» کویت به آنجا لشکر کشید و ده ها هزار نفر از نیروهای نظامی و افراد غیر نظامی عراق را کشت. نتیجه این جنگ فروش میلیاردها دلار اسلحه به کشورهای عربی و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس بود. در یوگسلاوی نیز ما شاهد سناریویی مشابه بودیم. بعد از اینکه یوگسلاوی آماده امضای قرار داد «رامبویه» شد ناتو اعلام کرد که «ما باید اجازه داشته باشیم در هر نقطه از یوگسلاوی که خواستیم، نیروی نظامی پیاده کنیم» که این امر با مخالفت به حق میلیشیویچ روبرو شد. در نتیجه آمریکا فرصت یافت تا در راس سایر متحدین خود در ناتو خاک این کشور را به توبه بکشد.

در سناریو سوم که ساخته و پرداخته محض سیا میباشد، جای صدام و میلیشیویچ را طالبان و بن لادن گرفته اند. آمریکائی ها بخوبی میدانند که مورد تنفر اکثریت مردم دنیا میباشند. بدین جهت برای تنفر زدائی از آمریکا، در



دود بر دودکش بام جهان

صد ها هزار نفر
در سراسر جهان
بوژه در کشورهای
اروپا و آمریکا
بر علیه جنگ
فروزیهای امپریالیسم
آمریکا دست به
تظاهرات زدند !

فعالین سازمان ما نیز با شرکت
در این تظاهرات ها به سهم خود
کوشیدند تا چهره گریه
سرمایه داری ، امپریالیسم ،
رژیم های ارتجاعی بوژه مذهبی
را افشا کنند . آنها همچنین
مردم را از افتادن در دام
جریانات ارتجاعی و مذهبی منطقه
بر حذر داشته و خواستند تا
با گسترش مبارزه بر علیه امپریالیسم
و ارتجاع منطقه سرنوشت خویش
را خود در دست گیرند .



(AP PHOTO)



این دود که بر دودکش بام جهان است
شاید که ز سوز دل دلسوختگان است
بر صحنه اگر خیره شود دیده هشیار
«ازماست که برماست» در آن دود عیان است
اریاب ترور طعمه اصحاب ترور شد
این تیر بر او خورده که دستش بکمان است
در آتش موساد و سیا سوختن آموخت
آن دل که بر احوال فلسطین نگران است

هابی خرسندی
۱۰ سپتامبر ۲۰۰۱

به

روایت
تصویر



(AP PHOTO)

جشن پیروزی تیم ملی فوتبال

ادارات دولتی توسط تظاهرکنندگان به آتش
کشیده شد . نیروهای سرکوبگر رژیم در
هراس از گسترش تظاهرات به مردم معترض
حمله کرده و با پرتاب گاز اشک آور و شلیک
گلوله عده زیادی را زخمی و دستگیر کردند .
هنوز از تعداد زخمی ها و سرنوشت
دستگیرشدگان اطلاع دقیقی در دست نیست
ما ضمن محکوم نمودن اعمال سرکوبگرانه
رژیم ، همه کارگران ، جوانان ، زنان و و سایر
اقتدار زحمتکش جامعه ، را به تداوم مبارزه
تاسرنگونی رژیم حاکم و برقراری نظامی
بدور از ستم و استثمار و زور و سرکوب فرا
میخوانیم .

سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست

دیشب بار دیگر مردم به جان آمده از ستم و
استثمار و زور و سرکوب ، به خیابانها ریخته و
با دست زدن به تظاهرات اعتراضی خشم و
نفرت خود را از اوضاع حاکم برکشور اعلام
نمودند . ساعت نه دیشب ۲۰ مهر ماه ۱۳۸۰ در پی
پیروزی تیم ملی فوتبال ایران بر تیم ملی
فوتبال عراق، مردم ، بوژه جوانان در شهرهای
تهران ، تبریز ، خراسان ، اصفهان ، شیراز ،
رشت سنندج و سایر شهرها و شهرستانها
به خیابانها ریختند و جشن پیروزی تیم ملی
فوتبال ایران را به تظاهرات اعتراضی علیه
بیدادگریهای رژیم تبدیل نمودند . در جریان
این تظاهرات که با شعارهایی علیه رهبران
رژیم و ظلم و ستم نظام حاکم همراه بود،
چندین خودرو نظامی ، ساختمان بانگ ها و

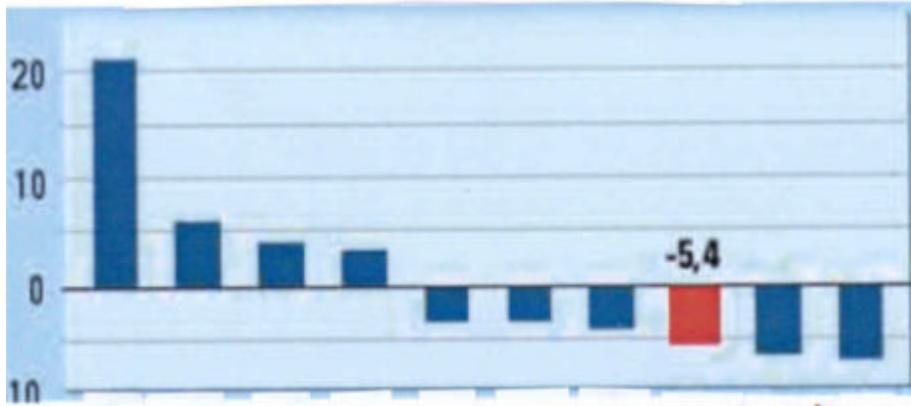
آخرین اطلاعیه های سازمان
را از آدرس اینترنت
دریافت کنید!

www.fedayi.org
آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.org

داشته باشد در زمان کوتاهتری محصولات بیشتری تولید خواهد کرد .

اما سهم این صاحبان اصلی یعنی کارگران از این افزایش چقدر است . نتیجه منطقی همچون معادله ای باید مشخص باشد ، آن که زحمت کشیده و کالا را تولید کرده باید سهم بیشتری نیز ببرد . اما این

تغییرات سهم حقوق بگیران در ده سال گذشته



زبان فرانسه سوئد بلژیک آمریکا آلمان ایتالیا کانادا انگلیس نروژ

معادله در نظام سرمایه داری کاملاً عکس است . دیاگرام

بالا که باز هم در نشریه تکنیک جدید چاپ شده نشان میدهد که سهم کارگران نه تنها اضافه نگشته بلکه کاهش نیز داشته است . در جامعه سرمایه داری کفه ترازو تنها و همیشه به یکطرف سنگینی میکند . این دیاگرام سهم افرادحقوق بگیر جامعه را از افزایش حجم تولید نشان میدهد . این بدین معنی است که با افزایش تولید هر کالای صنعتی چقدر به حقوق افراد اضافه شده است. بر طبق این آمار درآمد هر فرد در جامعه نسبت به افزایش تولید در ده سال گذشته در

بقیه در صفحه ۶

این بدین معنی است که کارگران این کشورها با فروش نیروی کار خود در عرض ده سال گذشته حجم تولید صنعتی این کشورها را تا ۵۰ درصد بالا برده اند . طبیعتاً درآمد این کشورها نیز تقریباً به همین نسبت افزایش یافته است. بخشی از این افزایش نتیجه استفاده از تکنیک جدید و بخش دیگر

سهم کارگران

در نقش کارگران در برنامه ریزی اقتصادی و اداره امور اجتماعی، تفاوت اساسی این دو نظام است و در پیکار اجتماعی پرولتاریا نقش تعیین کننده ای بازی خواهد کرد و صف آنها را از صفوف رفرمیستها جدا میکند . آگاهی و دانش طبقاتی پرولتاریا را باید در درون مبارزه روزمره او و در طرح خواستها و درک رابطه میان مبارزه جاری و هدف اصلی یعنی سوسیالیسم دنبال کرد . آگاهی بر سیستم سرمایه داری و مکانیسم این سیستم و نقش کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار و فاقد هر گونه مالکیت

بر ابزارتولید اجتماعی ، رابطه کار و سرمایه و تبدیل کار به کالا و کار اضافه کارگر به ارزش اضافه و سود و در نهایت حجم و ارزش کالای تولیدی و سهم کارگر از محصول کار خود، مسائل مهمی است که درک طبقه کارگر را از رابطه میان مبارزه امروز و هدف آینده را تأیید خواهد کرد و از غلتیدن او بدامان رفرمیسم جلوگیری خواهد نمود .

هر روز که میگذرد طبقه کارگر جهانی در وضعیت اسفناک تری از روز قبل قرار میگیرد . با پیشرفت تکنولوژی و با کار مداوم کارگر، حجم محصولات روزبروز افزوده میگردد اما سهم کارگران از این افزایش محصول تنها تنگدستی و فشار اقتصادی و اجتماعی است . به آمار از دنیای صنعتی توجه کنید تا عمق مسئله مشخص تر شود .

بر طبق آمار منتشره در هفته نامه تکنیک جدید مورخه ۲۷ سپتامبر در سوئد در دهه گذشته حجم محصولات صنعتی در برخی کشورهای غربی تا مرز ۵۰ درصد افزایش نشان میدهد . به دیاگرام زیر توجه شود . حجم محصولات صنعتی بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ در سوئد ۴۹ در آمریکا ۴۷ و در کانادا ۳۸ درصد بوده است .

نتیجه مستقیم اضافه کاری کارگران است . ما میدانیم که ساعت کاری کارگران در تقریباً تمامی این کشورها افزایش یافته . افزایش تولید ۵۰ درصدی ده سال گذشته چه نتیجه استفاده از تکنیک جدید باشد و چه مستقیماً نتیجه ساعات اضافه کار کارگران باشد در اصل قضیه که این افزایش نتیجه کار کارگران است تفاوتی نخواهد داشت. این کارگر است که با تبدیل کار خود به کالا محصولات را تولید میکند حال اگر ماشینهای جدیدی نیز در اختیار

تغییرات تولیدات صنعتی در ده سال گذشته



آلمان انگلیس ژاپن نروژ ایتالیا هلند بلژیک فرانسه دانمارک کانادا آمریکا سوئد

آدرسها و شماره فاکس
تواص با سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست
kar-Co
Box 10063
S-400 70 Göteborg/
Sweden

فاکس روابط عمومی
+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی
webmaster@fedayi.org

JAHAN - E- COMMUNISY
OCTOBER 2001 NO 15

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی